

اشاره:

بعد از جنگ جهانی دوم، ژاپن علی‌رغم شکست سختی که خورد، موفق شد طی دو دهه ویرانیهای به‌جا مانده از جنگ را بازسازی نموده خود را به سطح کشورهای پیشرفته جهان برساند. در این مسیر ژاپن از تزریق سرمایه‌های آمریکائی، وجود بازار گسترده آمریکا و جنگ کره و ویتنام سود برد. این عوامل به‌همراه توسعه طلبی این کشور باعث شد که پرخاشجویی و توسعه طلبی که به‌اعتقاد برخی از ژاپن‌شناسان، ژاپنی‌ها در آن تندروترین مردم روی زمین هستند به صحنه تجارت و صنعت انتقال یابد و امروز این کشور به‌عنوان یکی از مدعیان برتری در جهان تلقی شده و هراس در دل برخی از کشورهای جهان ایجاد کرده است. «ازراف و وگل» نویسنده کتاب «ژاپن کشور شماره یک» که سالها وقت خود را صرف یافتن رموز موفقیت ژاپنی‌ها کرده است درباره رموز موفقیت ژاپن می‌نویسد: «من می‌خواستم بدانم ویژگی‌های ژاپن مثل: پشتکار، صبر، حوصله، انضباط درونی، حساسیت و احترام به دیگران تا چه حد در موفقیت آنها سهم داشته است. با مطالعه طرز برخورد ژاپنی‌ها با سازمان جدید، کسب و کار و بوروکراسی به این نتیجه رسیدم که پیشرفتهای ژاپن بیشتر دستاورد ساختارهای سازمانی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آنهاست و همین سازماندهی شگفت‌انگیز ژاپن را طی یک قرن از یک کشور بسته و فنودالی به پیشرفته‌ترین کشور صنعتی جهان تبدیل کرده است.»

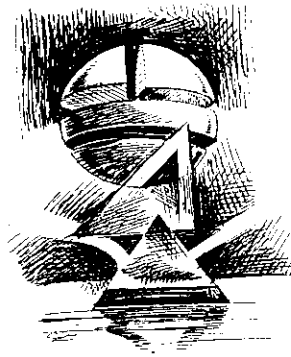
ژاپن طی چند دهه گذشته سیاستهای خاصی در زمینه صنعت و بازرگانی خود پیش‌بینی کرده که تحقق این سیاستها رشد کنونی اقتصاد این کشور را در پی داشته است. طی دهه ۱۹۶۰ دیدگاه اصلی ژاپن بر

صنایع سنگین و صنایع شیمیائی متمرکز بود و سیاستهای صنعتی کشور در جهت هماهنگی با اقتصاد بین‌المللی و افزایش پیچیدگی ساختار صنعتی، پیش‌بینی گردید. این سیاستها موجب مدرنیزه کردن و رشد سریع اقتصادی شد، در دهه ۱۹۷۰ تمرکز اصلی فعالیت‌های توسعه‌ای در ژاپن، بر «صنایع دانش بر» قرار گرفت. دستیابی به استانداردهای بالای زندگی، همکاری در جهت صلح و توسعه جامعه بین‌المللی و تلاش در زمینه استفاده از خلاقیت و قابلیت‌های افراد جامعه نیز در راس اهداف کشور قرار داشت. در دهه ۱۹۸۰ «صنایع دانش بر و خلاق» به‌عنوان مرکزیت بینش صنعتی ژاپن تعیین گردید. اهدافی از قبیل همکاری در جهت رفع مشکلات بین‌المللی و غلبه بر محدودیت‌های ناشی از کمبود مواد اولیه موردنیاز بخش صنعت در سرفصل فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی ژاپن قرار گرفت. این روند در دهه ۱۹۹۰ جای خود را به ایجاد محیطی که در آن، انسان مورد توجه بیشتری قرار گیرد داده و قصد دارد ژاپن را از یک جامعه «شرکت‌گرا» به یک جامعه «انسان‌گرا» تبدیل کند. البته به‌نظر می‌رسد آنچه که ژاپن به‌عنوان جامعه «انسان‌گرا» تلقی می‌کند بیشتر مفهوم رفاه مادی و بالابردن کیفیت زندگی شهروندان ژاپنی است. آنچه که در ادامه این مطلب ارائه می‌گردد سیاست صنعتی و بازرگانی بین‌المللی ژاپن در دهه ۱۹۹۰ است که دیدگاههای این کشور را در مورد مسائل بین‌المللی و داخلی مطرح ساخته و اهداف و اصول پایه سیاستهای صنعتی و بازرگانی ژاپن را نشان می‌دهد. طبیعی است که غرض از ارائه این موضوع آشنائی با دیدگاه یکی از قدرتهای اقتصادی جهان در مورد دهه‌ای که در آن قرار داریم است و توجه به این موضوع که از بعد مدیریت جامعه، هدف‌دار نمودن فعالیت‌های مرحله‌ای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم امری ضروری است.

«نویسنده»

ژاپن و دهه ۱۹۹۰

از: غلامرضا نصیرزاده



جهان در دهه ۱۹۹۰

به دنبال تغییرات سریع سیاسی و اقتصادی در اروپای شرقی عصر تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب که به دنبال جنگ جهانی دوم در صحنه گیتی پدیدار شده بود در حال حاضر روبه افول نهاده است. با ورود جهان به دوران جدید، لزوم برقراری روابط جدیدی در نظام بین‌المللی احساس می‌شود. تاریخ بعد از جنگ به وضوح نشان داده است که اقتصاد بازار و سیستم دمکراتیک برای صلح و نیک‌روزی ضروری است. جهان‌شمولی این دو پدیده فرهنگ و سنتها را در می‌نوردد. از دیگر سو رشد تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی موجب اتکای بیش از پیش ملت‌های جهان به یکدیگر از نظر اقتصادی شده است.

در عین حال تغییرات سریع در نظم بین‌المللی و افزایش عدم قطعیت در مورد آینده موجب افزایش اضطراب عمومی شده است. همراهی جمعی بشر در برخورد با مسائل عمومی جهان از قبیل کاهش تنش‌های نظامی، بهبود استانداردهای زندگی در کشورهای در حال توسعه، قواعد مربوط به فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی، منابع انرژی و مسائل بین‌المللی محیط زیست می‌تواند در کاهش اضطراب عمومی مریخش باشد.

تداوم توسعه دمکراسی و اقتصاد بازار که در واقع عوامل پشتیبان موفقیت‌های به دست آمده است در برخورد با مسائل جدید جهانی ضروری است.

ما باید گام‌های لازم را جهت تداوم تغییرات برداشته و با هرگونه واپس‌گرایی مبارزه کنیم. مردم جهان باید سیستم‌های ارزشی متفاوت خود را به رسمیت شناخته و در هماهنگی با هم زندگی کنند. مسیری که فراراه آینده جهان است قطعاً هموار نخواهد بود ولی اگر آمیدی بر آینده وجود داشته باشد این مسیر تنها راه آن است.

ژاپن در جهان فعلی: مشارکت بین‌المللی و اصلاحات داخلی:

امروز ژاپن به عنوان یکی از قدرتهای اقتصادی جهان درآمده است. ژاپن باید در عصر حاضر از قدرت اقتصادی خود در جهت حل مسائل جاری بین‌المللی استفاده وسیع‌تری بکند. ژاپن با همراهی ایالات متحده و اروپا باید حمایت لازم از سیستم آزاد اقتصادی به عمل آورد. ژاپن باید نشان دهد که تمایل و توانایی لازم را به عنوان نیروی پیشرو و خلاق و یکی از اعضای مهم جامعه بین‌المللی در مسیر حل معضلات جهانی دارد.

فضای بین‌المللی که در آن ژاپن بایستی تعهدات خود را انجام دهد تغییرات عمیقی در پیش روی خود دارد. از زمان جنگ جهانی دوم ژاپن و سایر کشورهای پیشرفته غربی به واسطه تهدید مشترک

* ژاپن دهه ۱۹۹۰ در پی آنست که از یک جامعه «شرکت‌گرا» به یک جامعه «انسان‌گرا» تبدیل شود.

* رشد سریع و اهمیت جهانی اقتصاد ژاپن موجب افزایش نگرانی در جامعه بین‌المللی شده است. از همین رو دهه کنونی زمان حساسی برای مدیریت ژاپن به‌ویژه در حوزه ارتباطات بین‌المللی است.

بلوک شرق با یکدیگر مرتبط و وابسته شده‌اند. حال که قدرت بلوک شرق در حال کاهش است، اصطکاک بین ملل پیشرفته غربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ساختار اقتصادهای ملی در فضای وابستگی عمیق اقتصادی به عنوان موضوع مهمی درآمده که می‌تواند منشاء اصطکاک در آینده باشد. رشد سریع و اهمیت جهانی اقتصاد ژاپن موجب افزایش نگرانی و حتی ترس در جامعه بین‌المللی شده است ملل جهان در مورد ژاپن حساس هستند. این موضوع باعث می‌شود که دهه ۱۹۹۰ زمان حساسی برای مدیریت ژاپن به‌ویژه در ارتباطات بین‌المللی آن درآید.

لازم است که ژاپن سیستم‌های داخلی خود را با سایر ملل جهان هماهنگ سازد و این نکته را به وضوح و روشنی نشان دهد. ژاپن باید به سایر ملل جهان کمک کند که ابعاد مختلف سیستم‌ها، روشها و دستورالعملهای ژاپن را درک کنند. از این گذشته ژاپن باید توان خود را جهت تبادل اطلاعات، افزایش دهد. این موضوع اهمیت دارد که ژاپن به جهان یادآوری نماید که این کشور به همراه ملل پیشرفته، علاقمند به وجود یک جامعه آزاد است. در عین حال ژاپن علاقمند به حفظ سنن فرهنگی خود نیز هست و بدین لحاظ باید جامعه بین‌المللی را با مفهوم دقیق نهادها و سیستم‌های خود آشنا کند.

در دهه ۱۹۹۰ این انتظار روزافزون از ژاپن وجود خواهد داشت که نه تنها خود را با سایر ملل جهان هماهنگ کند بلکه همواره اصل آزادی و بی‌طرفی را رعایت نماید. ژاپن این دو اصل را ایده‌آل خود می‌داند. تلاش ژاپن برای دستیابی به این ایده‌آل در داخل مرزهای خود به منظور بهبود سیستم آزاد تجارت بین‌المللی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این موضوع هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که نقش مهم ژاپن را به عنوان یک حامی اصلی سیستم اقتصاد

آزاد جهانی که به صورت یک هدف مشترک و واحد بین‌المللی درآمده در نظر بگیریم. اگر ژاپن در این اصلاحات موفق شود، اقتصادهای آزاد خود را با یک همراه قدرتمند و خلاق روبرو خواهند دید. این دستاورد موجب ایجاد مبانی پایدارتری برای آینده جهان خواهد شد. طبیعی است که جامعه بین‌المللی از رهبری ژاپن در جهت توسعه سیستم اقتصاد آزاد استقبال خواهد کرد.

ژاپن در دهه ۱۹۹۰: «چستان نیک انجامی»

اعداد و ارقام مربوط به عملکرد اقتصادی ژاپن به سادگی نشان از موفقیت این عملکرد دارد. در کنار این واقعیت‌ها تردید روز افزونی در میان مردم ژاپن بروز کرده که آیا استاندارد زندگی آنها هم به همان نسبت پیشرفت داشته یا خیر؟

موضوع فوق جدی‌تر و عمیق‌تر از آن است که با بیان اینکه «توقعی زیاد از ژاپن جدید و نیرومند» و یا «این تردید یک دیدگاه شخصی است» به سادگی از آن گذشت. علیرغم رشد اقتصادی و افزایش مصرف، نکاتی از قبیل دادن فرصت انتخاب به شهروندان ژاپنی برای اینکه آنچه که نیاز دارند انتخاب کنند و این امکان را داشته باشند که تصمیم بگیرند و قیمت آن را بپردازند همواره مورد سؤال بوده است. بهبود کیفیت زندگی و دادن فرصت به هر شهروند برای استفاده از توانایی خود هدف زیربنایی یک جامعه آزاد است. اگر این نیاز برطرف نشود و شکاف در ثروت و شکاف بین مناطق مختلف افزایش یابد جامعه احساس باطل بودن و محروم بودن خواهد کرد. این موضوع به نوبه خود موجب خواهد شد که خلاقیت و انگیزش افراد از بین برود. پیدا کردن جواب این مسائل برای ژاپن به ویژه در دهه آینده که هنوز ظرفیت سرمایه‌گذاری قابل توجهی در اختیار کشور است و جامعه به صورت جامعه‌ای کاملاً مسن در نیامده کاملاً ضروری است.

یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در «چستان نیک انجامی» در ژاپن، «شرکت‌گرا» بودن این جامعه است. در چنین جامعه‌ای فعالیت‌های تولیدی شرکتها به صورت آگاهانه به عنوان سیاست عمومی انتخاب شده و بر کیفیت زندگی مردم ترجیح داده شده است. اصل پایه در هدایت بازرگانی خارجی و سیاست صنعتی ژاپن این ایده بوده است که از طریق توسعه اقتصادی زندگی روزمره مردم نیز بهبود خواهد یافت. دست‌آوردهای بعد از جنگ ژاپن خارق‌العاده بوده است ولی امروز دیگر این ایده که توسعه اقتصادی موفق به صورت خودکار زندگی مردم را کاملاً بهبود خواهد بخشید مناسب نیست. سیاستهای کشور باید اقدامات گسترده‌ای برای بهبود زندگی مردم پیش‌بینی کند.

هدف نهایی این سیاستها بایستی اصلاح زندگی روزمره مردم باشد. در گذشته نیز سیاستهای صنعتی و تجارت بین‌المللی به صورت سازنده برخی از مسائل مرتبط با زندگی انسانها از قبیل محیط زیست، ایمنی و امور مربوط به مصرف‌کنندگان را دربر گرفته است ولی امروزه توجه به کیفیت زندگی انسانها بایستی همه زمینه‌ها را شامل شود. به عبارت دیگر باید سیاستهای مربوط به تجارت بین‌المللی و سیاستهای صنعتی به صورت «انسان‌گرا» درآیند.

برقراری پایه‌های استوار رشد دراز مدت اقتصادی:

اگر ژاپن قصد داشته باشد به تقاضاهای مربوط به مشارکت در اقتصاد جهانی جواب مثبت داده و برای شهروندان خود نیز بهترین

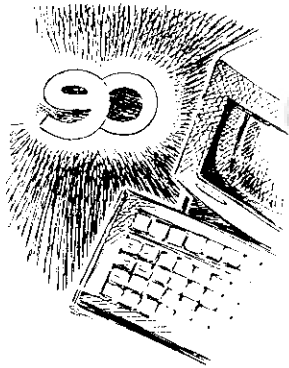
شرایط زندگی را فراهم کند ضروری است که پایه‌های رشد دراز مدت اقتصادی را ایجاد کند. رشد دراز مدت اقتصادی باید به نحوی سازماندهی و مدیریت شود که اهداف فوق را دربرگیرد.

طی دهه ۱۹۹۰ توجه به رشد متکی بر تقاضای داخلی به عنوان سیاست اصلی ژاپن خواهد بود. دورنمای دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که اقتصاد ژاپن در این دهه با مسائل جدیدی که کاملاً متفاوت با گذشته است روبرو خواهد شد. حل این مسائل نیاز به رویکردهای جدید، مفاهیم جدید و عملیات جدیدی که فراسوی فعالیت‌های مربوط به دهه ۱۹۸۰ است دارد.

چالش‌های دهه ۱۹۹۰ ایجاد ساختار خلاق صنعتی به طوری که قادر باشد به صورت انعطاف‌پذیری جوابگوی تغییر در ارزش‌ها و نیازهای مردم باشد دربر می‌گیرد. این ساختار باید شکاف بین صنایع را حذف، فاصله بین مناطق را کاهش داده، صنایع جدید را ایجاد و توسعه دهد. صنایع با بهره‌وری پایین را عقلائی نموده و شرکتهای کوچک و متوسط را که به عنوان منبع انرژی و تحرک اقتصادی ژاپن شناخته شده‌اند، تقویت کند.

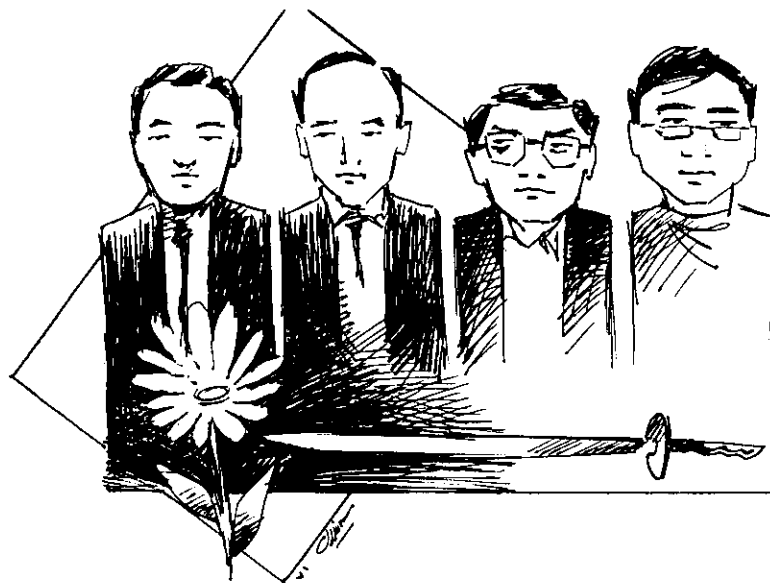
علم، تکنولوژی و اطلاعات کلیدهای اصلی این موفقیت‌ها خواهند بود. طبیعی است که باید کارهای زیادی انجام شود تا علم و تکنولوژی توسعه یافته و توان اطلاعاتی ژاپن افزایش یابد.

تلاشهای گسترده‌ای برای مقابله با اتکای بیش از حد ژاپن به انرژی خارجی و هراس از بحران دراز مدت انرژی در جهان مورد نیاز است. از طرف دیگر پیش‌بینی می‌شود که با توجه به مشکلات مربوط به محیط زیست و افزایش حساسیت‌ها در این مورد حدود فعالیت‌های صنعتی در آینده کنترل شود. بازار کار نیز تغییر خواهد



• مشارکت در جامعه بین‌المللی، اصلاحات داخلی، بهبود کیفی زندگی مردم و ایجاد شالوده مناسب برای رشد اقتصادی دراز مدت هدف‌های عمده ژاپن در زمینه تجارت بین‌الملل و سیاست صنعتی است.

• اصول حاکم بر بازار باید از طریق تداوم مقررات زدایی تعمیق بیشتری پیدا کند.



قادر به حل مسائل خود باشد لازم است.

۳ - یکپارچگی سیاستهای خارجی و داخلی:

همچنانکه اقتصاد بین‌المللی به درجات بالاتری از وابستگی متقابل رسیده و هماهنگی در سیاستهای بین‌المللی ضرور به نظر می‌رسد یکپارچگی سیاستهای داخلی و خارجی نیز کاملاً اهمیت دارد. ژاپن بایستی سیاستهای خود را با دیدی بین‌المللی‌گرا تعقیب نماید.

۴ - عکس‌العمل جوابگویی در برابر تغییر:

در جهت پیش‌بینی تغییرات ساختاری غیرقابل پیش‌بینی در دهه ۱۹۹۰ ژاپن بایستی به نیازهای داخلی و خارجی جواب دهد. برای مثال سیاست صنعتی بایستی توانائی بیشتری برای جوابگویی به زمینه‌ها و رشدهای صنعتی که فراسوی کسب و کار سنتی می‌روند جواب دهد. تسریع در جهت جمع‌آوری اطلاعات و توانائی تجزیه و تحلیل آنها کاملاً ضروری است.

۵ - انجام اصلاحات مداوم داخلی:

اهداف و سیاستهای ژاپن بایستی به صورت مداوم بررسی و اولویت‌ها مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند بدون اینکه عملکرد خوب گذشته مانعی برای اصلاحات آینده گردد. خلاقیت اداری و زنده‌بودن آن بایستی حفظ شود. فعالیت سازمانها بایستی باتوجه به نیازهای در حال تغییر اداری مورد آزمایش مجدد قرار گیرد.

۶ - تسریع همکاری بین ادارات:

اگر مسائلی که جامعه ژاپن با آن روبرو است بایستی حل شود همکاری بین وزارتخانه‌ها و آژانس‌ها بیش از گذشته ضروری است. همکاری میان وزارتخانه‌ها و آژانس‌ها بایستی با درزدهن داشتن دائمی هدف زیر انجام شود:

«خدمت به منافع و علائق مردم ژاپن»

همکاری بین دولت مرکزی و دولتهای محلی برای ایجاد سیاستهای توسعه منطقه‌ای لازم است خلاقیت‌ها و ابتکارات بایستی مرزهای اداری را درنوردد. سیاستهای منطقه‌ای بایستی منعکس‌کننده ویژگیهای منطقه‌ای باشد. □

یافت. رشد نیروی کار کاهش خواهد یافت و متوسط سنی نیروی کار نیز به سرعت افزایش می‌یابد. تکنولوژی به سرعت پیشرفت کرده و انتظار می‌رود زنان در فعالیت‌های جامعه نقش گسترده‌ای ایفا کنند. یکی از مسائل مهم عدم تطابق بین نیروی انسانی از نظر سن و حرفه و تخصص خواهد بود. مسائل دیگری از قبیل زیربنای مالی برای توسعه صنعتی نیز در پیش خواهد بود.

سه هدف عمده برای تجارت بین‌الملل و سیاست صنعتی در دهه ۱۹۹۰:

آنچه که مطرح شد ما را به سه هدف عمده زیر برای تجارت بین‌المللی و سیاست صنعتی ژاپن در دهه ۱۹۹۰ هدایت می‌کند:

۱ - مشارکت در جامعه بین‌المللی و حرکت در جهت اصلاحات داخلی.

۲ - بهبود کیفیت زندگی مردم ژاپن.

۳ - حصول اطمینان از ایجاد پایه‌های مناسب برای رشد اقتصادی دراز مدت.

این سه هدف به نوعی مکمل یکدیگرند و هم افزائی دارند. این اهداف نمی‌توانند به طور جداگانه محقق شوند. توازن لازم بین این اهداف جهت تحقق دست‌آوردهای نهائی بایستی حفظ شود.

هفت موضع‌گیری پایه‌ای

۱ - تاکید بر عوامل بازار و مسئولیت‌های شخصی:

عوامل بازار یک اصل پایه برای تجارت بین‌المللی و سیاست صنعتی ژاپن در گذشته بوده که در آینده نیز باید تداوم یابد. اصول حاکم بر بازار باید از طریق تداوم مقررات زدائی تعمیق بیشتری پیدا کند. زیربنای این موضوع مسئولیت‌پذیری مردم در رابطه با انتخاب‌های آنان است.

۲ - تاکید بر ارزش‌های انسانی و منافع اجتماعی:

دولت ژاپن در دهه ۱۹۹۰ نقش مهمی در ایجاد وفاق ملی ایفا خواهد کرد. نقش دولت تا اجرای موارد مورد وفاق تداوم می‌یابد. مجموعه سیاستهای اتخاذشده در جهت رفاه مردم و منافع جامعه پیاده خواهد شد. تلاش بیشتر برای توازن بهینه بین بازار و دولت به طوری که کشور